

نگرشی به مدیریت اسلامی

تالیف:

دکتر هادی پور شافعی

عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند

عبدالرضا خدروش خان آبا

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی و مدیریت



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۳۹۳

سرشناسه	: پورشاقمی، هادی، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: نگرشی به مدیریت اسلامی / تالیف هادی پورشاقمی، عبدالرضا خدري خان آبادی.
مشخصات نشر	: تهران : آوای نور، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۳۶۸ ص.
شابک	: 978-600-309-075-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: مدیریت (اسلام)
شناسه افزوده	: خدري خان آبادی، عبدالرضا، ۱۳۶۰ -
رده بندی کنگره	: BP۶۷۲/۲۳۲/پ۹۳ن۸ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۶۵۸
شماره ثبت کتابشناسی ملی	: ۳۳۲۳۴۸۶



نگرشی به مدیریت اسلامی

تالیف: دکتر هادی پورشاقمی - عبدالرضا خدري خان آبادی

ناشر: انتشارات آوای نور

صفحه آرا: منیرالسادات خدري

چاپ اول ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی: تایماز

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۰۷۵-۰

- تهران: خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۰۷۵-۰
- تلفن: ۶ - ۶۶۹۶۷۳۵۵ / نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲ / همراه: ۰۹۱۲۲۰۰۴۵۵۷
- نمایندگی فروش ۱: تهران - خیابان انقلاب - شماره ۱۲۱۲ - فروشگاه گوتنبرگ
- نمایندگی فروش ۲: تهران - خیابان انقلاب - پاساژ اندیشه - فروشگاه دهخدا

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت ۲۲۰۰۰ تومان

ک

به نام او که نامش
آغازگر این دفتر است.

و

درود بر محمد مصطفی و خاندان مطهرش
(و صلی الله علی محمد وآله الطاهرين)

ک ک ک

ای خدای فضل و جلال تو
رحم فرما بر قصور و فقر ما
این قدر ارشاد تو بخشیده ای
قطره دانش که بخشیدی ز پیش
قطره علم است اندر جان من
کار تو تبدیل اعیان و عطا
سپهو و نسیان را مبدل کن به علم
دیده ای بخشا که تا بینا شویم

با تو، یاد هیچکس نبود روا
ای و رای عقل ها و وهم ها
تابدین بس عیب ما پوشیده ای
متصل گردان به دانش های خویش
وار هانش از هوا و زخاک تن...
کار ما سبوست و نسیان و خطا
سپهو و نسیان را مبدل کن به علم
دانش بخش که تا بینا شویم

(مثنوی معنوی، دفتر اول و پنجم)

فهرست تفصیلی مطالب

۱۷	 مقدمه
۲۳	 فصل اول) ضرورت، تعاریف و ویژگی‌های مدیریت در اسلام
۲۳	 مقدمه
۲۴	 جایگاه و ضرورت مدیریت و رهبری از دیدگاه اسلام
۳۳	 دلایل مدیریت از دیدگاه اسلام
۳۳	 قرآن
۳۴	 - سنت و عترت
۳۶	 - حکم عقل
۳۷	 - اجماع
۳۷	 تعاریف مدیریت و مدیریت اسلامی
۴۰	 مفهوم مدیریت از دیدگاه امام علی (ع)
۴۰	 - تدبیر
۴۱	 - فرماندهی
۴۱	 - رهبری
۴۲	 جهان بینی اسلام و مدیریت
۴۳	 مدیریت در اسلام: تعالی انسان و انسان کامل
۴۷	 جایگاه انسان در اسلام، از منظر تربیت و مدیریت وی
۵۱	 مقام و منزلت دانش و تفکر در اسلام
۵۵	 مفهوم مدیریت در مطالعه سیر آفاقی و سیرانفسی
۶۱	 سیر آفاقی و انفس و مراتب سپاس نعمت‌های الهی
۶۳	 مدیریت اسلامی و وجوه ممیزه آن از مدیریت رایج
۶۸	 دیگر اهداف مدیریت در اسلام
۷۰	 نگاهی دیگر به تعاریف مدیریت
۷۱	 ویژگی‌های کلی مدیریت اسلامی

۸۲	مدیریت اسلامی و مکاتب مدیریت رایج
۸۵	مدیریت اسلامی، مدیریت ارزش‌های الهی
۸۷	نتیجه‌گیری
۸۹	فصل دوم) اهداف، پیش‌بایسته‌ها و اصول مدیریت اسلامی
۸۹	مقدمه
۸۹	اهداف مدیریت اسلامی
۹۱	تعریف هدف
۹۴	ویژگی‌های هدف
۹۶	مستلزمات مدیریت اسلامی
۱۰۸	اصول مدیریت اسلامی
۱۱۰	مدل بر مبنای اصول مدیریت اسلامی
۱۱۴	نتیجه‌گیری
۱۱۷	فصل سوم) تصمیم‌گیری
۱۱۷	مقدمه
۱۱۸	ماهیت تصمیم‌گیری
۱۱۸	اهمیت تصمیم‌گیری
۱۱۹	جایگاه تصمیم‌گیری در روایات اسلامی
۱۲۰	مراحل تصمیم‌گیری
۱۲۲	فرایند تصمیم‌گیری در مدیریت اسلامی
۱۲۴	مؤلفه‌های تصمیم‌گیری
۱۲۵	فواید مشورت
۱۲۶	ویژگی‌های مشاوران
۱۲۸	دیگر ویژگی‌های مشاوره
۱۳۲	ویژگی‌های تصمیم‌گیری مؤثر
۱۳۴	لغزش‌های تصمیم‌گیری
۱۳۵	نتیجه‌گیری
۱۳۷	فصل چهارم) برنامه‌ریزی
۱۳۸	مقدمه
۱۳۸	اسلام و برنامه‌ریزی
۱۳۹	اهمیت و فواید برنامه‌ریزی
۱۴۹	تعاریف برنامه‌ریزی
۱۴۳	نگرش مدیران و هدف‌گذاری
۱۴۴	محورهای پیش‌نگری

۱۴۴.....	آینده‌نگری، بنیان برنامه‌ریزی
۱۴۷.....	عناصر برنامه‌ریزی
۱۴۷.....	-توجه به زمان و مدیریت آن
۱۴۹.....	-آمادگی برای آینده
۱۴۹.....	- شرایط برنامه‌ریزی
۱۵۱.....	انواع برنامه‌ریزی، فرایند و خصوصیات آن
۱۵۶.....	ارکان برنامه‌ریزی
۱۵۹.....	مبانی اصول برنامه‌ریزی
۱۵۹.....	الف) اصول مقدماتی برنامه‌ریزی
۱۶۰.....	ب) اصول عمومی برنامه‌ریزی
۱۶۳.....	ج) اصول متمم برنامه‌ریزی
۱۶۶.....	نتیجه‌گیری
۱۶۷.....	فصل پنجم) سازماندهی
۱۶۷.....	مقدمه
۱۶۷.....	تعاریف سازمان
۱۷۱.....	مراحل و فواید سازمان‌دهی
۱۷۳.....	مبانی سازمان‌دهی
۱۷۶.....	مزایای روش سازمان‌دهی
۱۷۷.....	عناصر سازمان‌دهی
۱۷۷.....	-تقسیم کار
۱۷۸.....	-سازماندهی بر مبنای زمان
۱۷۹.....	-سازماندهی نیروی انسانی
۱۸۱.....	-تمرکز و عدم تمرکز سازمانی
۱۸۲.....	ویژگی‌های شیوهی غیرمتمرکز
۱۸۳.....	نیاز به نظام متمرکز
۱۸۴.....	مسئولیت انسان در نظام خلقت
۱۸۷.....	هماهنگی
۱۸۷.....	اهمیت هماهنگی
۱۸۸.....	انواع هماهنگی
۱۸۹.....	انواع هماهنگی از دیدگاه امام علی (ع)
۱۹۱.....	نتیجه‌گیری
۱۹۳.....	فصل ششم) هدایت و رهبری
۱۹۳.....	مقدمه

۱۹۳	اهمیت و اصول رهبری
۱۹۶	تعاریف رهبری
۱۹۷	مقایسه‌ی مدیریت و رهبری
۱۹۹	قدرت و رهبری
۲۰۰	منابع قدرت
۲۰۳	مهارت‌های مدیریت، رفتار یا سبک رهبری
۲۰۴	سبک رهبری در منابع اسلامی، معطوف به اصول آن
۲۲۴	بزرگی‌های رهبری
۲۳۶	نتیجه‌گیری
۲۳۷	فصل سوم) انگیزش و مدیریت
۲۳۷	مقدمه
۲۳۸	اهمیت و جایگاه انگیزش
۲۳۹	تعریف انگیزش
۲۴۰	تأثیر انگیزش بر عملکرد سازمان
۲۴۱	سطوح نیازها
۲۴۲	طبقه‌بندی فعالیت‌ها
۲۴۳	انگیزش درونی و بیرونی
۲۴۴	نظریه‌های انگیزش
۲۴۴	- نظریه‌ی تعادل
۲۴۴	- نظریه‌ی مک گریگور
۲۴۵	- نظریه‌ی انگیزش و بهداشت
۲۴۵	- نظریه‌ی انتظار
۲۴۶	- نظریه‌ی برابری
۲۴۶	انگیزش و رضایت
۲۴۹	مدیریت اسلامی و انگیزش
۲۴۹	نیازها از دیدگاه اسلام
۲۵۳	متغیرهای اساسی در انگیزش
۲۵۶	مقام ربوبیت، فراتر از خود- شکوفایی
۲۵۹	نتیجه‌گیری
۲۶۹	فصل هشتم) کنترل و نظارت، معطوف به نظارت الهی
۲۶۹	مقدمه
۲۶۳	تعاریف کنترل و نظارت
۲۶۳	جایگاه و اهمیت کنترل و نظارت

۲۶۶	کارکردها و ویژگی‌های کنترل و نظارت
۲۶۸	فراگرد کنترل و نظارت
۲۶۹	انواع کنترل و نظارت
۲۶۹	الف) کنترل پیش‌نگر (قبل عمل)
۲۶۹	ب) کنترل حال‌نگر (تکوینی)
۲۶۹	ج) کنترل گذشته‌نگر (پایانی)
۲۷۰	اندازه‌ها در نظام آفرینش
۲۷۱	چگونگی و شیوه اعمال کنترل
۲۷۴	نظارت انواع نظارت
۲۷۴	- نظارت شخصی
۲۷۴	- نظارت اجتماعی
۲۷۵	- خود- نظارتی - خود-سرلی
۲۷۶	آثار خود- نظارتی
۲۷۹	دیگر انواع نظارت ها
۲۷۹	- نظارت همگانی
۲۷۹	- نظارت الهی
۲۸۰	بنیان های نظارت الهی
۲۸۶	الگوی نظارت، کنترل و ارزشیابی از دیدگاه مدیریت اسلامی
۲۸۷	- نظارت الهی؛
۲۸۸	- خود- نظارتی (خود- مدیریتی)؛
۲۹۱	- نظارت مستقیم؛
۲۹۱	- نظارت غیر مستقیم؛
۲۹۲	- نظارت همگانی.
۲۹۴	نتیجه‌گیری
۲۹۵	فصل نهم) لغزش‌گاه‌ها و آفات مدیریت
۲۹۵	مقدمه
۲۹۷	ریاست‌طلبی
۲۹۷	شیفتگی سازمان و سازمان‌گرایی
۲۹۸	تکبر و غرور، عجب و خودپسندی
۳۰۰	بوروکراسی (دیوان سالاری)
۳۰۲	نادانی
۳۰۲	رشوه‌خواری و رانت جویی
۳۰۳	سنت‌شکنی

۳۰۴.....	مَنْت نهادن.....
۳۰۵.....	عدم شناخت موقعیت‌ها.....
۳۰۶.....	میل به خواص و غفلت از ضعفا.....
۳۰۶.....	تحقیر و سرزنش افراد.....
۳۰۹.....	افشای راز افراد.....
۳۰۹.....	نفی اصول و گزینش نامناسب افراد به تناسب موقعیت‌ها.....
۳۱۱.....	نتیجه‌گیری.....
۳۱۳.....	فصل دهم) امام علی(ع) و مدیریت در نگاه امام.....
۳۱۳.....	تلاش.....
۳۱۳.....	تواضع و شهادت امام.....
۳۱۶.....	ایجاد شخصیت امام علی(ع).....
۳۲۲.....	امام از زبان خود.....
۳۲۴.....	نگارش‌ها.....
۳۲۶.....	نگاهی به نهج البلاغه.....
۳۳۰.....	متن نامه امام علی(ع) مالک بن نوخلی.....
۳۴۱.....	نکات چندگانه مستخرج از نهج البلاغه.....
۳۵۸.....	نتیجه‌گیری.....
۳۶۱.....	فهرست منابع و مآخذ.....

سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

منزهی تو، ما نمی دانیم جز آنچه تو خود به ما تعلیم فرمودی، که تویی دانا و حکیمی (بقره، ۲۲).



فرزانه‌ای گفت: در آغاز، علم را برای غیر خدا آموختیم، اما علم جز خدای را نپذیرفت.



مقدمه

سَلَامٌ قَوْلًا لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ «سلامی که سخن پروردگار مهربان است» (یس، ۵۸). به نام آن سلیمی که سلامت آفاق از سلام اوست و سیاس و ستایش مختص آن ذات اقدس و مقدس که اشرف مخلوقات را به زیور خرد بیاراست و دانش و علم را به هر کس که بخواهد به او آسانی داشت تا به برکت استعدادهای بی شمار خدادادی اش، تعالی یابد.

از دیدگاه قرآن، عالم هستی دارای هدف و غایت است، در این جهان هیچ چیز بیهوده خلق نشده و جمله کائنات به سوی مقصد و سودی در پی کتاند. ربنا ما خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا: «پروردگارا جهان آفرینش را بیهوده نیافریدی» (آل عمران، ۱۹۱). برآید: انسان، پرتاب شده‌ای مادی به جهان هستی نیست، خلقت وی بی هدف و عبث نبوده است و انسان نیز به حال خود رها نشده است. اَيُخْسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُشْرَكَ سُدًى (قیامت، ۳۶): «آیا انسان گمان می کند بی هدف رها می شود؟». هدف از خلقت انسان، عبادت و بندگی خدا است. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (الزمر، ۵): «انسان برای این خلق شده تا به بندگی و عبادت خدا بپردازد. تا... سرانجام به قرب ربوبی و بهشت نائل آید، یعنی به آن مقامی دست یابد که خدا را به دیدی دل درک کند. انسان به آن مقامی دست یابد، که به جز خدا، به چیزی توجه نکند (رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند) وجود او خالص شود و هیچ عملی از او جز برای رضای خدا نباشد و اخلاق و صفات وی خدایی شود (تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ). انسانی که به این مقصد درجه دست می یابد، در برابر عظمت خداوند، استقلالی برای خویشتن قائل نیست، چنین انسانی در یک ارتباط دائمی و شهود عرفانی با خدا به سر می برد و خداوند نیز عنایت خاصه اش را دریغ نمی کند که عنایت خداوند، بر سر عنایت است. به تعبیر مولانا: «بی عنایت خدا، هیچم هیچ». در این مقام و مرتبه است که دیگر اثری از خودیت و منیت نیست، هر چه هست، اوست. چنین انسان خداجو و خداخواه، متعالی شده و به مقام نفس مطمئنه نائل آمده است: «فَهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ إِرْجَعِي إِلَىٰ رَبِّكَ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتٍ (فجر، آیات ۲۷-۳۰) و پس از آنکه به این جایگاه و مرتبه، مستلزم مراقبت ها، حمایت ها، خودسازی ها و خویشتن داری های مداوم و مستمر است.

در اسلام به ابعاد مادی، روان و معنوی انسان توجه شده است و مدیر نیز باید به خود سازی توجه خاص نماید. پیشگامی در خودسازی را از وظایف لازم هر مدیر و زمامداری دانسته، امام علی (ع) می فرماید: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلَيْسَ بِهِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لَيْكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُثْلُهُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ (نهج البلاغه، قصار ۷۰): «آن که خود را در جایگاه

رهبری نشانَد باید پیش از دیگران به تعلیم و تربیت خود پردازد و پیش از گفتار، با کردار خود را سازد، که خودآگاهی و خودسازی از حرفه معلّمی سزاوارتر به تجلیل است». به طور کلی، انسان شایسته، انسانی است که آگاه است، می‌داند، می‌شناسد، می‌فهمد و دارای بصیرت است: بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (تقیامت، ۱۴). وی عاشق خداوند است، به بندگان خدا عشق می‌ورزد و جز خدا و رضایت الهی هدفی ندارد. قُلْ إِنِّي صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ: «یگو، نماز و عبادات، زندگی و مرگ من، همه از آن پروردگار جهانیان است» (انعام، ۱۶۲).

در نتیجه، مکتبی که در پی رشد و تعالی انسان است و می‌خواهد او را بر مسند واقعی اش که همانا مقام جانشینی الهی است، نمی‌تواند نسبت به امر مدیریت و هدایت وی در ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی بی‌تفاوت باشد. اسلام به مسأله‌ی حکومت (به معنای عام) و مدیریت (به معنای خاص) نه به‌عنوان یک هدف بلکه آن را وسیله‌ای برای تحقق اهداف عالی، یعنی آگاهی بخشیدن به انسان‌ها، تعالی، تربیت معنوی و احیای ارزش‌های اخلاقی، به مثابه قسط و عدل به صورت خودجوش و برخاسته از متن جامعه، آزادی انسان‌ها از قید اسارت و بندگی هر چه غیر خدا است، می‌داند. مدیریت، لازمه جامعه است و رشد جامعه در گرو رشد فردی انسان‌ها است. انسان منبع بی‌پایان و دایره‌وار توانمندی‌ها است، معادن وجودی‌اش، ارزش‌مند است. این سرمایه نهفته در وجود انسان نیاز به دانش و استراحت دارد، به عبارتی معدن وجودی استعدادها و قابلیت‌های متعدد و بی‌شمار انسانی، معدن‌شناسی می‌خورد و آن مدیر و مدیرانی است که در کسوت مربی بتوانند این توانمندی‌ها را به منصفه ظهور برسانند. در مفهومی جامع، اسفند بعثت انبیاء را در همین موضوع می‌توان مطرح کرد. علی (ع) در این باره می‌فرماید: «خداوند پیش از آنکه خود را در میان مردم برانگیخت تا با مدیریت خویش ذخایر پنهانی استعدادها را استخراج کند».

مدیریت در اسلام، هنر کشف استعدادها، فرایند تربیت، تعلیم و هدایت نیروها در جهت اهداف سازمانی است که به تعالی انسان منجر شود. هدف در مدیریت اسلامی، «انسان» و رشد او به‌سوی الله می‌باشد. پس مدیریتی که زمینه رشد انسان را به‌سوی بهر سوی می‌برد و مصادیق کتاب، سنت و سیر و روش پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) جهت رسیدن به اهداف یک نظام در ابعاد مختلف، همانند یک محور، مدار و قطب عمل کند، مدیریت اسلامی نامیده می‌شود. این مدیریت «هدف اساسی رشد انسان و تعالی وی است. انسانی که سیر استكمال و صعود پس از گداز قرب خداوندی است که معنی می‌یابد. هر بیان و گفتاری، هر نیتی هر اقدام و رفتاری که به سوی خداوند نداشته باشد، مطرود است. همه این‌ها، از او، برای او و بسوی اوست. فرهنگ اسلامی بسیار از مهمترین روش‌های خوب مدیریت بوده و قدرت و تأثیر این مدیریت بسیار عالی است تا آنجایی که در عصر پیامبر اعظم (ص) و دوران ائمه معصومین (علیهم السلام) از جامعه‌ای فقیر و ناتوان که گرفتار جنگ‌های قبیله‌ای بر سر مسائل کم ارزش قومی بود، جامعه‌ای نوین و متعالی ساخت به طوری که طی مدت زمانی کوتاه بر بزرگترین امپراتوری‌های زمان خود پیروز شد و تمدن عظیم و ماندگاری را بنیان گذاشت. به نظر می‌رسد مسأله نخست انسان امروز در این جهان متحول، توسعه پایدار و همه‌جانبه و

رها ساختن از جهل و فقر آموزشی، تربیتی و فرهنگی است. بدیهی است رهایی از مشکلات و دست یابی به سطح قابل قبولی از پیشرفت، امکان پذیر نیست مگر با اندیشه، تفکر و مدیریت صحیح. مدیریتی که ارزش ها و آرمان های تعالی جویانه دارد. در واقع بدون مدیریت صحیح، هرگونه تلاشی بیهوده خواهد بود. به همین دلیل و با پیچیدگی مسائل و گسترش روز افزون سازمان های با ماهیت و اهداف گوناگون و چالش های آن، مدیریت بیش از پیش اهمیت یافته است.

آنچه نیاز عصر امروز است، اتکای مدیریت بر ارزش ها و باورهای حقیقی است. مدیریت رایج در جوامع، با توجه به الگوهای فکری (پارادایم) معنا و معانی که خود تفسیر می کنند، دریافت و ارائه داده اند. مدیریت منظر اسلام، برآمده و نشأت یافته از ایمان و اعتقاد به خداوند یکتا است که جهان را عالمانه و حکیمانه مدیریت می نماید. وجه تمایز مدیریت اسلامی با مدیریت سایر مکاتب و دیدگاه ها، این است که مدیریت در اسلام بر ارزش ها و اول از اعتماد و ایمان سرچشمه می گیرد، اعتقاد به اینکه جهان هستی بر اساس حکمت و هدایت الهی ذات اقدس خداوندی به عنوان مدیر و مدبر عالم، آفریده شده و غرض از آفرینش انسان معرفت الهی و توجه تعالی انسان است. قرآن کریم، انسان را موجودی می داند که خداوند او را گرمی داشته و بر سر وی اوقات برتری بخشیده است، در نتیجه هدف اسلام، تأکید بر اتقان و تعالی اوست. جهان ماهیتاً اوست. پس سوی اوئی دارد. مدیریت اسلامی جهت و حرکت حیا به سوی آرمان های الهی است. در این دنیا باید از کلیه معیارها و ضوابط با توجه به اعتقادات ارزش ها و اهداف والای اسلام بهره گرفت.

اندیشه خدا- محوری، خدا جویی و عبودیت محور شالوده و بنیان مدیریت در اسلام است. آنجا که امیر مومنان علی (ع) در آغاز فرمان به مالک اشتر فرمود: این فرمانی است که «بنده ی خدا»، «علی» امیرمؤمنان، به «مالک» فرزند حارث معروف به «آشتر» به هنگامی که او را به فرمانداری «مصر» برمیگزیند، صدر نامه، نشان از عبودیت، بندگی و سرسپردگی نسبت به خداوند دارد: «هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْثَرِ فِي عَمَلِهِ حِينَ وَلَاهُ مِصْرَ». در بیانی دیگر، امام میفرماید: «ای مالک، تو بر مصر حکومت می کنی و امیرالمؤمنین بنو ولی پروردگار بی همتا بر همه ما، یعنی بر عالم وجود حاکم مطلق و پادشاه تواناست. او که ما را امر می دهد بر بندگان خود قرار می دهد. آزمایش همی کند تا چگونه این وظیفه خطیر را به پایان می رسانیم».

مدیر از منظر امام باید ویژگی های متعددی داشته باشد. مدیر باید ایجاد عدالت، اخلاق نیک، شجاعت، سعه صدر، شکیبایی، تقوا و... را در خود پرورش دهد. مدیریت برای خداوند و تقرب به وی است. چرا که مدیر و مدبر اصلی پروردگار جهان است و هر فعالیت و اقدامی باید سمت و سوی خدایی و الهی داشته باشد. در نتیجه، مدیریت اسلامی چیزی جز ایمان، اعتقاد، ایثار، گذشت، نظم و ترتیب، تقوی، پرورش معنویات، تقویت روح در جهت سیرالی الله نیست. امام علی (ع) در فرازی دیگر میفرماید: اگر منزلت و جاه طلبی فرمانروایی در دلت سرکشی و خود بینی پدید آورده آن گاه یه

عظمت خداوند بنگر که برتر از توست و به قدرت او در آن چه به آن توانا نیستی رفتار کن که این کار سرکشی تو را بشکند. امام در ادامه به مالک اشتر می‌فرماید: ای مالک، تو زبردست و سرپرست آنانی و آن کس که تو را بر آنان فرمانروایی داده زبردست توست و خدای متعال زبردست‌تر از اوست. در فرازی دیگر و در تشریح خطیر بودن مدیریت، امام، خطاب با والی آذربایجان می‌فرماید: و إِنَّ عَمَلَك لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرَعٍ لِمَنْ فَوْقَكَ ... وَفِي يَدِكَ مَالٌ مِنْ مَآثِلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَنْتَ مِنْ خَزَائِنِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَى ... وَ لَعَلَّيْ أَلَا أَكُونَ شَرًّا وَلَا تَيْكَ لَكَ: «مدیریت و حکمرانی برای تو «طعمه» نیست بلکه مسئولیت در گردن تو، امانت است... وظیفه نداری در کار مردم به میل و خشنودگی شخصی عمل کنی ... اموالی که در دست توست از آن خداست و تو خزانه‌دار آن هستی. تا به من بگیری، امیدوارم برای تو، بدترین زمامدار نباشم» (نهج البلاغه، نامه ۵).

مدیریت در نگاه اسلام یک مسئولیت و نه یک مقام و قدرت است. بی‌مقداری آن همواره مورد توجه از آن‌ها متعالی بوده است. حضرت در خطبه ۳۳ نهج البلاغه در خصوص بی‌ارزشی حکومت می‌فرماید: «همان‌تن به جنگ با مردم بصره (جنگ جمل) عبدالله بن عباس گفت در ذی‌قار (مکانی نزدیک بصره) بر این المؤمنین (ع) وارد شدم، هنگامی که پارگی کفش خویش را می‌دوخت، پس به من فرمود: قسم این کفش چقدر است؟ عرض کردم: ارزشی ندارد، فرمود: «والله لهی احب الی من امرتکم الا ان اقیم حاکم او ادب باطلا». سوگند به خدا این کفش نزد من، از امارت و حکومت بر شما محبوب‌تر است و لیکن من قبل از این حکومت و امارتی را نمودم برای این که حق را ثابت گردانم یا باطل را براندام». مدیریت در اسلام، امانت است، نه ابزار استفاده، تکلیف است نه حق، خدمت است نه حکومت و هدایت است نه حکومت. در این خصوص کلام مولا علی (ع) در خطبه سوم نهج البلاغه مؤید آن است. امام می‌فرماید:

«سوگند به خدایی که گریبان دانه را از هم درید و قسری را بر پروگاری که بشر را آفریده اگر به خاطر این جمعیت بسیار و ادای پیمان کردگار نبود (پیمانی که خداوند با اهل از فرزندگان و دانشمندان گرفته تا هرگز سر به ستمگری ستمگران نسپارند و مانعی برای مردم نباشند) بی‌شک، عنان این مرکب خیره سر را بر پشتش رها می‌کردم و عطش این شتر تشنه‌ام را با آب مستین جام فرو می‌نشاندم و شما هم نیک آگاهید که دنیای غدار شما در نزد من بی‌ارزش و بی‌مقدار است. هم‌چون آب کثیف بینی بزی به هنگام عطسه کردن». هم‌چنین این مدیریت، مبتنی بر ترمیم الهی است، استثمار و استعمار انسان به وسیله‌ی انسان را نفی می‌کند، اصول ارزشی و معیار لایتنیر و برای همیشه زمان و مکان است.

چنین بینشی که برآمده از نگاه توحیدی است، رکن مدیریت در اسلام را شکل می‌دهد. حکمت و بینشی که تمام جهان را یکپارچه، محضر و منظر خداوند می‌داند، ذره ذره و جای جای عالم، محضر خدا است، جهان مملو از آیات و نشانه‌های وجود گسترده اوست. امام علی (ع) چه زیبا می‌فرماید: ما

رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا رَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَ مَعَهُ وَ بَعْدَهُ: «هیچ چیز ندیدم مگر اینکه با آن، قبل آن و بعد آن خدا را دیدم». این نگاه عالمانه، حکیمانه، عارفانه، متعبدانه و در عین حال خردمندانه می‌تواند آثار و برکات متعدّد در جامعه و مدیریت داشته باشد، جامعه اسلامی و مدیریت چنین جامعه‌ای باید این معانی را بکاود، دریابد و در عمل به کار آورد. مدیریت رایج، باید تلاش کند معارف مدیریت در اسلام را توسعه دهد و با ارائه الگو، در عمل به کار بندد.

این کتاب، درده فصل به نگارش درآمده است که تنها نگرش و نگاهی به مدیریت اسلامی دارد و مباحث آن بیشتر و بیشتر می‌تواند توسعه و تعمیق یابد. در نگاهی اجمالی، کتاب از اهمّیت مدیریت در اسلام و تعریف آن آغاز شده است و ضمن مقایسه بین مدیریت اسلامی با سایر مدیریت‌ها وجوه ممیز آن عنوان گردیده و در ادامه با ذکر فراگردها و وظایف (اصول) مدیریتی، نگاهی با انواع نظارت و توجه خاصی به نظارت‌ها شده است. در فصل‌های انتهایی، بحثی درباره آفات مدیریت و لغزش گاه‌های آن دارد و نهایتاً در فصل پایانی، با نگاهی به خصوصیات امام علی (ع)، متن کامل نامه (فرمان) امام علی (ع) به مالک اشتر نخعی (نامه ۵۳) ارائه و با ذکر نکات مدیریتی مستخرج از این نامه وزین و ماندگار در عرصه مدیریت به قلم رسیده است.

در باره مدیریت اسلامی منابع متعدّدی وجود دارد که این اثر به فراخور از آنها استفاده نموده است. لیکن عمق، ژرفا و نیز وسعت دامنه آموخته‌ها و سبقت اسلامی در قرآن کریم و در کلام امیرمؤمنان در نهج البلاغه، امکان غور و غواصی در معنی بیکراییش اسلامی می‌دهد تا هر کس به قدر وسع و توان خود از این منابع و ذخایر ارزشمند، توشه‌ای هر چند ناچیز برگیرد.

هدف نگارندگان آن است که با نگاه و نگرشی به مدیریت اسلامی، گام و سهمی هر چند اندک در شناخت مفاهیم بلند و ماندگار مدیریت از منظر اسلام برسانند. اگرچه اذعان دارند این، به قدر وسع بوده و نه همه آن چیزی است که باید انجام می‌شد. در نتیجه آنجا که این نوشتار خالی از کاستی نخواهد بود، موجب امتنان است، محققان، دانشجویان، دانش پژوهان و نکته بینان ساحت علم، دانش و پژوهش و با بینش اسلامی، درباره محتوی این نوشتار به نگارنده در خصوص قوت‌ها و ضعف‌های آن، بازخورد لازم بدهند تا با بازنگری و اصلاح، بر کیفیت و عمق مطالب افزوده شود و مؤلفان بتوانند دین خود را ادا نمایند.

در پایان به شکرانه توفیق، خدای را به نهایت، سپاس می‌گوییم که این خدمت با لطف و عنایت او آغاز و به انجام رسید. پایان نیز مدیون یاری و یآوری و الطاف آن بی‌همتا است. پس در نهایت همه سپاس‌ها و ستایش‌ها از آن او و شایسته اوست، از آغاز تا پایان.

امید که کوتاهی ما را عفو فرماید: رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نُسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا: «پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن» (بقره، ۲۸۶).

سخن را با جمله‌ای از سر والتراسکات (۱۷۷۱-۱۸۳۲) نویسنده شهیر اسکاتلندی، پایان داده می‌شود:

«خدایا: اگر در همه دیوان من یک بیت هست که نام تو نیست، آن را خط بزن و اگر در همه‌ی دیوان من، فقط یک بیت هست که فقط نام تو هست، همان یک بیت برای شکوه دیوان من کافی است»

این سیله نگارندگان از انتشارات محترم آوای نور، مدیریت گرانقدر و همکارانشان و تلاشی که سرکار خانم منیرالسادات حسینی به جهت صفحه‌آرایی کتاب متقبل شده‌اند، قدردانی و آرزوی توفیق می‌نمایند.

مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

و از خداوند توفیق می‌طلبم بر او توکل کرده و به درگاه او پناه می‌برم (سوره مبارکه هود، ۸۸).

(توفیق، از خداست و تکیه بر اوست).

ک

پورشمس خدري

۱۳۹۱

ک